

جامعه آرمانی در قاب تاریخ (نگاهی به نظریه‌های فلسفه تاریخ)

گفت‌وگو با: سیدمحمد مهدی میرباقری

ایران، ش ۳۹۱۵، ۸۷/۲/۹



نگاه فلسفه تاریخ به گونه‌ای است که در آن می‌توانیم تاریخ را به صورت یک زنجیره به هم پیوسته مشاهده کنیم. فلسفه تاریخ از چنان قدرتی برخوردار است که می‌تواند جایگاه یک پدیده را در روند حرکت تاریخ به یک تحلیل‌گر بشناساند و موضع او را نسبت به آینده مشخص کند. فلسفه تاریخ را به دو گونه مادی و الهی می‌توان تقسیم کرد. دو نگاه اساسی نسبت به تاریخ و روند آن وجود دارد، نگاهی که انسان، جامعه و تاریخ را برآمده از ماده می‌داند و نگاهی که معتقد به این حقیقت است که خداوند محور پیدایش خلقت و تکامل آن است. در نگاه اول ماده به صورت مستغنی دیده می‌شود و مسیر و حرکت تاریخ به گونه‌ای است که جبر غیر خودآگاهانه مادی، مبدأ حرکت تاریخ به سمت مرحله پایانی آن است. نظریه ماتریالیسم تاریخی قواعد کلی حاکم بر حرکت را در قالب منطق دیالکتیک تفسیر می‌کند و صاحبان این نظریه معتقدند که مهم‌ترین عاملی که در حرکت تاریخ به ایفای نقش می‌پردازد و مبدأ پیدایش تحولات اساسی در جامعه بشری بوده و تمامی تمدن‌سازی‌ها بر این اساس شکل گرفته است، چیزی جز روابط تولیدی نیست و تاریخ در مسیر تکامل خود به جایی می‌رسد که دیگر مالکیت فردی مطرح نیست، چون مالکیت، منتفی است و دولت سیاسی دینی و الهی وجود ندارد و هیچ یک از نظریه‌ها در طرح پرسش‌های اساسی دربارهٔ حیات انسان و تکامل تاریخ موفق نبوده و نتوانسته‌اند پاسخ‌هایی شایسته دهند. طبق نظریه موج سوم، انسان از طریق ارتباطات پیچیده الکترونیکی به آرامش و رفاه کامل برسد تا حتی برای رفع نیازمندی‌های اولیهٔ خود، به مراجعه به بازار، نیازی نداشته باشد.

در یک نگاه الهی، جهان مخلوق خداوند است و خداوند، خالق انسان و کل پدیده‌های هستی است. خالقیت خداوند به عنوان یک امر مسلم قابل دفاع است. از این منظر:

الف) عالم، مکلفی به ذات نیست.
ب) همان گونه که خداوند، خالق و رب عالم است از این رو تکامل عالم، تابع ربوبیت اوست پس عالم، هم مخلوق خداوند و هم تحت ربوبیت او در حال تکامل و رشد است.
ج) در جریان حرکت تاریخ، نقش انسان‌ها حذف شدنی نیست و اراده و تمومیت الهی بر تمامی هستی حاکم است.

د) انسان نسبت به اصل حرکت مجبور است، ولی نسبت به کیفیت حرکت، صاحب اراده و اختیار است و در این حال تکامل محصولی تولی و ولایت است که این امر به معنای مطلق بودن اراده نیست، بلکه به معنای وجود سهم تاثیر ارادهٔ انسان در تکامل تاریخ است.
ه) انسان‌ها در طول تاریخ یا به ولایت الهی یا به ولایت مادی و شیطنی تولی داشته‌اند و

همین پرسش‌های شیطانی و ملکوتی در توسعه‌یابی خود، به پیدایش جامعه و تاریخ انجامیده است. تمدن‌های موجود در طول تاریخ زاینده همین نظام تولی و ولایت هستند که در دو شکل ایمانی و الحادی نمود پیدا می‌کنند و ساخته‌های سیاسی، فرهنگ و اقتصادی تازه‌ای را پدید می‌آورند. از طرفی مراحل نزول ادیان برتر و کامل‌تر به معنای ارتباط پیچیده‌تر و توسعه یافته‌تر میان عالم انسانی و عالم ربوبی است که مبدأ پیدایش تکامل تاریخی است. در این حال، انسان‌ها به مرتبه بالاتری از تکامل دست می‌یابند و تاریخ یک گام به سمت کمال نهایی خود پیش می‌رود. سر حلقه‌های تکامل تاریخ چنین تعریف می‌شوند و محور تکامل تاریخ نیز انبیا و اوصیا و ادیان الهی نخواهد بود.

مزارش ۹۸: حسن کللو

اسلام در رویارویی با پدیده جهانی شدن

ماهاتیر محمد / محمد صاحبی و علی اصغر صادق‌پور

اعتماد ملی، ش ۶۲۸، ۸۷/۲/۵

آقای ماهاتیر محمد نگاهی گذرا به دوره‌های گذشته ملت‌های مسلمان و پیشرفت‌های آنان در این دوران افکنده و معتقد است که به دلیل گرایش مسلمانان به شیوه‌های نادرست قبل از اسلام روند اسلامی شدن دنیا به یکباره متوقف شد. مسلمانان سرگرم جنگ و نزاع با یکدیگر شدند و از کسب دانش غفلت نمودند و سرگرم تفسیرها و تأویل‌های مختلف از قوانین اسلام شدند، تا این‌که عصر صنعتی شدن کوچک‌ترین دستاوردی برای آنها در پی نداشت و تغییراتی را که حاصل پیشرفت دانش اروپاییان، که خود برگرفته از دانش مسلمانان بود و در نهایت منجر به «انقلاب صنعتی» شد، نادیده گرفتند. او یادآوری می‌کند که کشورهای غیر مسلمان ایده‌دنیای بدون مرز، یعنی یک «ملت جهانی» را معرفی کرده‌اند و اگر مسلمانان آن را نپذیرند، ملتی متمرّد، عقب‌مانده و ارتجاعی قلمداد می‌شوند. بنابراین ما مسلمانان برای پیوستن به همسرایی حمایت از جهانی شدن تحت فشار هستیم. ما در آغاز عصر اطلاعات و جهانی شدن هستیم، زمان طولانی را از این دو پشت سر نگذاشته‌ایم. ما اگر بخواهیم می‌توانیم آن را به دست آوریم. اگر تعلل کنیم، دوباره بسیار عقب خواهیم افتاد. ما می‌توانیم تمامی علوم و فناوری‌های جدید را بیاموزیم. همچنان که ما نباید آموزه‌های دینی مان را نادیده بگیریم و عبادات فردی مان را ترک کنیم، باید همیشه به خاطر داشته باشیم که اسلام به ما آمادگی برای دفاع از خود، امت و دین مان را امر نموده است. باید ما مسلمانان یکپارچه و متحد شده و از خطر بزرگی که در دنیای بدون مرز با آن مواجه خواهیم شد نهراسیم و شکاف‌های بین خود و میان کشورهای اسلامی را کم کنیم. گروهی از ما باید به تحصیل علوم و مهارت‌های ضروری عصر اطلاعات بپردازد، به گونه‌ای که به سطح پیشرفت‌های دشمنان

بازتاب اندیشه ۹۸

مزارش‌ها
۹۰